

پرسش از نویسندگان و کارشناس چه کرده‌ایم؟

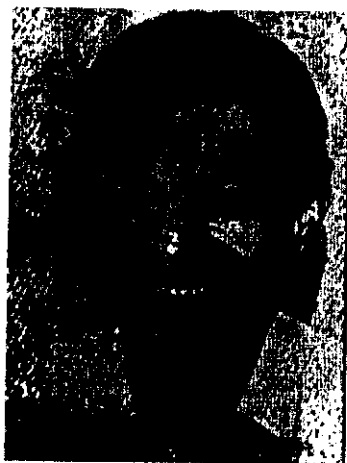
۴۹

۱. شاخصه‌های «ادبیات و هنر کودک و نوجوان» در دو دهه اخیر چیست؟ لطفاً به نقاط عطف تحولات دو دهه اخیر نیز اشاره کنید.
۲. بحران‌ها، مسایل و مشکلات ادبیات و هنر کودک و نوجوان در دو دهه اخیر کدامند؟
۳. گفته می‌شود که تنوع عناوین کتاب‌های کودک و نوجوان، تا حدی کاهش تیراژ را توجیه می‌کند، اما به هر حال با توجه به افزایش جمعیت در دو دهه اخیر تیراژ کتاب‌ها به تناسب رشد نکرده است و این نشان می‌دهد که ادبیات کودک و نوجوان نتوانسته است با مخاطبانش ارتباط برقرار کند. نظر شما چیست؟
۴. رابطه دولت و کتاب و نوجوان (اعم از حمایت، نظارت، ناشران دولتی و...) را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۵. به نظر شما اثر گذارترین کتاب‌های کودک و نوجوان ایران در دو دهه اخیر، چه کتاب‌هایی بوده‌اند و به چه دلیل؟

جعفر ابراهیمی شاعر و داستان‌نویس کتاب کودک و نوجوان
منوچهر علی‌پور کارشناس و منتقد ادبیات کودک و نوجوان
امیرحسین فردی داستان‌نویس کودک و نوجوان
چیستا یثربی نمایشنامه‌نویس و منتقد تئاتر و سینما
حسین فتاحی داستان‌نویس کودک و نوجوان
نوش‌آفرین انصاری دبیر شورای کتاب کودک
پروین علی‌پور مترجم داستان نوجوان

نسل ما ادبیات کودک را جا انداخت

◇ جعفر ابراهیمی «شاهد»



۱. در بهار سال ۱۳۶۱، آقای محمود کیانوش، در نامه‌ای به من نوشته بود: «پیش از انقلاب و زمانی که من برای کودکان و نوجوانان شعر می‌گفتم و داستان می‌نوشتم و درباره ادبیات کودک و نوجوان قلم می‌زدم، همه سعی و تلاشم را بر این نکته متمرکز کرده بودم که به مردم و جامعه ایرانی آن زمان بقبولانم که در جهان امروز، مقوله‌ای به نام ادبیات کودک و نوجوان وجود دارد. حالا شما شاعران و نویسندگان جوان، توانسته‌اید این کار را بکنید و ادبیات کودک و نوجوان را برای مردم جا بیندازید».

به راستی هم ما از مشکلات عدیده‌ای که گریبانگیر دست‌اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان، در سی‌چهل‌سال پیش بود، اطلاع چندانی نداریم و به قول معروف، فقط دستی از دور بر آتش داریم. نویسندگان و شاعران جوان و تازه نفس کنونی هم خبر از مشکلاتی که ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی داشتیم، ندارند؛ چرا که آنها اکنون بر سر سفره پهن و آماده‌ای نشسته‌اند و عده‌ای واقعاً می‌پندارند که این سفره، از ازل باز و گسترده و آماده بوده است و منتظر رسیدن آنها، کیانوش در زمان خود، سختی‌های بسیاری را متحمل شد و ادبیات کم رنگ کودک و نوجوان را به دست نسل

انقلاب سپرد. آنها نیز عاشقانه کار کردند و بی هیچ چشمداشتی، در اعتلای این ادبیات کوشیدند. حال، نوبت به همین جوانان تازه نفس رسیده است تا وظیفه خودشان را در رنگین‌تر کردن این سفره انجام دهند و در این راه، از دل و جان بکوشند.

خوشبختانه، ما دست‌اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان، حالا در جایی ایستاده‌ایم که می‌توانیم با کمال افتخار و سربلندی، اعلام کنیم که ما هم در ایران، ادبیات کودک و نوجوان داریم و از نوع خوبش هم داریم؛ اما... اینجا یک امای مهم و یک امای معروف وجود دارد و آن اما در اینجا است که اگر چه این ادبیات، در دهه شصت، جانی تازه پیدا کرده و در دهه هفتاد نُضج گرفته و قوام یافته است، اما در دهه هشتاد، صرف‌نظر از دو سه سال اول این دهه، نه تنها رشد قابل توجهی نداشته، بلکه تا حدودی عقب‌گرد هم داشته است. شاید هم ما در اشتباهیم و یا انتظارات ما بالاست و توقع‌مان بی‌جا که اصرار داریم ادبیات کودک و نوجوان ما حتماً باید در عرض بیست سال، به اوج قله‌هایش می‌رسید که نرسیده است. البته، این نکته بسیار مهم را نباید نادیده بگیریم که اگر چه در نیم دهه اخیر، ما در ادبیات کودک و نوجوان رشد قابل توجهی نداشته‌ایم، در عوض، در این چند سال اخیر،

◇ عده‌ای واقعاً می‌پندارند که این سفره، از ازل باز و گسترده و آماده بوده است

◇ اگر چه در نیم دهه اخیر، ما در ادبیات کودک و نوجوان رشد قابل توجهی نداشته‌ایم، در عوض، در این چند سال اخیر، اتفاقات جالب و مبارکی افتاده است.

بی‌شک، داستان نویسی کودک و نوجوان، در حال حاضر، از کیفیتی بهتر و بالاتر برخوردار بود. متأسفانه، در زمینه داستان (بر خلاف شعر)، پیش از انقلاب تجربه‌های قابل توجهی صورت نگرفته است؛ ولی خوشبختانه بعد از انقلاب، نویسندگان خوبی پا به این عرصه نهادند و در مدتی کوتاه (تقریباً در یک دهه) توانستند حتی گام به گام با شعر همراه باشند. یکی از تحولات مهم در این دو دهه، همین است که داستان کودک و نوجوان موفق شد هویت پیدا کند و حال و هوای داستان‌ها، از آن حالت تمثیلی و سمبلیک و سیاسی پیش از انقلاب، خارج شود و واقع‌گرایی و نیز تخیل سالم و نرسب داستانی، وارد داستان‌های نویسندگان بشود. رشد تعداد نویسندگان و شاعران نیز از تحولات قابل توجه این دو دهه است. نویسندگان و شاعرانی در این دوران پا به دنیای ادبیات کودک و نوجوان نهادند که واقعاً این کاره بودند.

به هر حال، به نظر من، پایه‌های محکمی برای بنای ادبیات کودک و نوجوان نهاده شده و این بسیار مهم است. نوعی ایستایی هم که در ادبیات کودک و نوجوان در سال‌های اخیر ایجاد شده، بی‌شک، موقتی است و با پایه‌های محکمی که ایجاد شده، آفاق روشنی برای بنای با شکوه ادبیات کودک و نوجوان ایران، چه در شعر و داستان و چه در دیگر هنرها دیده می‌شود.

یکی دیگر از شاخصه‌های مهم ادبیات کودک و نوجوان در این دو دهه، رشد تصویرگری در ایران بوده است و این رشد، در حدی است که در مواردی

اتفاقات جالب و مبارکی افتاده است. از جمله اینکه در این چند سال، تحقیقات خوب و قابل توجهی صورت گرفته نهادها و نشریاتی متولد شده است؛ مثلاً پیدایش کتاب ماه، پژوهشنامه، تشکل صنفی نویسندگان و شاعران و تصویرگران در انجمن نویسندگان، انجمن قلم، برگزاری جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان، به طور مجزا و مستقل از مطبوعات بزرگسالان، بالا رفتن تعداد ناشران خصوصی کودک و نوجوان در کشور و ... همه این اتفاقات، از نقاط عطف تحولات سال‌های اخیر بوده است. هم چنین، بحث‌های نظری خوبی در سال‌های اخیر، در رشته‌های مختلف ادبیات کودک و نوجوان، پا گرفته است. این بحث‌ها و این سری مقالات، بی‌شک در سال‌های آینده، تأثیرات مطلوب خود را نشان خواهند داد. ما در سال‌های اخیر، توانسته‌ایم جایگاه مطبوعات و ادبیات و هنر کودک و نوجوان را در جامعه، بیش از پیش تثبیت کنیم.

پیش از انقلاب اسلامی، قدم‌هایی در شعر کودک و نوجوان برارشته بودیم و بعد از پیروزی انقلاب، شعر کودک و نوجوان توانست به سرعت، راه خود را پیدا کند و رو به سوی رشد و تکامل گام بر دارد؛ هر چند که در سال‌های اخیر، رکودی ناگهانی پیدا کرد و به ایستایی رسید که بحث درباره علل این رکود، به پاسخ این سؤال مربوط نمی‌شود و در جای دیگر بدانها اشاره خواهم کرد. ما اگر یک محمود کیانوش دیگر در داستان و زمان کودک و نوجوان، در پیش از انقلاب داشتیم،

◇ داستان کودک و نوجوان موفق شد هویت پیدا کند و حال و هوای داستان‌ها، از آن حالت تمثیلی و سمبلیک و سیاسی پیش از انقلاب، خارج شود و واقع‌گرایی و نیز تخیل سالم و دُرُستِ داستانی، وارد داستان‌های نویسندگان بشود.

برمی‌گردد به وضع بی‌سامانِ نویسندگان و شاعران و تصویرگران در دوره‌هایی خاص. این بی‌سامانی‌ها هم شامل مسایل اقتصادی و مالی می‌شود و هم شامل مسایل روحی دست‌اندرکاران ادبیات و هنر کودک و نوجوان. نبودِ قوانینی یکدست و حساب شده، برای تنظیم قراردادهای درصدی برای صاحب اثر و نبودِ مراکزی که از حقوق حقهٔ مؤلفان حمایت کند، وضعیت نابسامانی در کشور ایجاد کرده بود که هیچ نویسنده و شاعری و هیچ هنرمندی، احساس امنیت شغلی نمی‌کرد. جامعه در شرایطی نبود که شاعران و نویسندگان حرفه‌ای، بتوانند از طریق حرفه‌شان گذران زندگی کنند، البته، نباید بی‌انصافی کرد و گفت که همیشه این‌گونه بوده است. اتفاقاً نویسندگان و شاعرانِ حرفه‌ای زیادی در همین شرایط و در این بیست سال، رشد کرده و بالیده‌اند، اما زندگی بیشتر این افراد، زندگی به روز بوده است و همیشه این جمله بر زبان‌شان جاری بوده که برای فردا، خدا کریم است. چنین زندگی سختی را فقط عاشقان و اگر به زبان طنز بگویم، دیوانگان، تحمل می‌کنند. من فکر می‌کنم علت بیشتر بُحران‌ها و مشکلات ادبیات کودک و نوجوان، برمی‌گردد به همین قضیه، یک مثال ساده بزنم، یک مثال روستایی و صاف و ساده، در موردِ خودم می‌گویم. من در این بیست سال، هر روز کار کرده‌ام؛ حتی جمعه‌ها و گاهی شب‌ها هم تاپاسی از شب گذشته و گاه تاصبح، نشسته‌ام و نوشته‌ام. مجموعه شعرِ پُشتِ مجموعه شعر و زمان پُشتِ رمان و ... نوشته‌ام و می‌نویسم، اما در آخر کار، می‌بینم که از نظر مالی همانم که بودم. اگر یک

با آثار برتر جهانی برابری می‌کند. این رشد بی‌شک، به مددِ خود ادبیات صورت گرفته است، به خصوص شعر در رشد و تکامل تصویرگری در این دو دهه، بسیار مؤثر بوده است. رشد ادبیات خود باعث رشد امور فرهنگی و هنری می‌شود. مثلاً به وجود آمدن ناشرانِ خصوصی که در زمینهٔ ادبیات کودک و نوجوان، موفقیت‌های چشمگیری کسب کرده‌اند، یکی از آثار رشد ادبیات کودک و نوجوان در کشور ماست؛ چرا که اگر ادبیاتی موجود نباشد، ایجاد انتشاراتی‌ها و مؤسسات فرهنگی هنری مختلف، بی‌مورد می‌نماید. وقتی آثار ادبی بیشتر شد و توانست با مخاطبان خود ارتباط برقرار کند، لاجرم ناشران بیشتری پا به عرصه می‌نهند و برای عرضهٔ این آثار به مخاطبان، به فعالیت در می‌آیند. خلاصه اینکه موفقیتِ ناشران در گروِ رشد و پیشرفت ادبیات است.

۲. در این دوران بیست ساله، ادبیات و هنر کودک و نوجوان، همواره با فراز و فرودهایی همراه بوده است. گاه نبود یا کمبود امکانات دولتی، بُحران‌ها و مشکلاتی بر سر راه ادبیات و دست‌اندرکاران ایجاد کرده است و گاه بالعکس؛ یعنی گاه امکانات دولتی به جای آنکه باعث از بین رفتن مشکلات و بُحران‌ها بشود، بر این مشکلات و بُحران‌ها دامن زده است و این برمی‌گردد به نوع سیاست‌گذاری‌های فرهنگی هنری در زمان‌های مختلف در کشور. گاه با عوض شدن یک مدیر کل، در یک مؤسسه و اداره فرهنگی هنری، در ادبیات کودک و نوجوان کشور مان بحران‌هایی ایجاد و گاه نیز باعث تحولی ایجاد شده است. یکی از مشکلات عمدهٔ ادبیات کودک و نوجوان،

◇ از شاخصه‌های مهم ادبیات کودک و نوجوان در این دو دهه، رشد تصویرگری در ایران بوده است و این رشد، در حدی است که در مواردی با آثار برتر جهانی برابری می‌کند.

بوده که تیراژ کتاب‌ها پایین بیاید و در عوض، تنوع موضوعی کتاب‌ها بیشتر شود که البته، فقط این نیست. کتاب‌های تجدید چاپی را هم باید بر آن افزود. بعضی از ناشران (به خصوص بعضی از ناشران دولتی) همه تلاش‌شان این است که فقط کتاب‌های چاپ اول چاپ کنند و آن هم با تیراژ حداکثر سه هزار جلد. خوب، این برمی‌گردد به اینکه این ناشران بیشتر در بند دادنِ آمار و ارقام هستند. به راستی، شگفت‌آور است که اوایل انقلاب، بسیاری از ناشران دولتی، کتاب‌های کودک و نوجوان را با تیراژ بیست هزار نسخه منتشر می‌کردند و تیراژ ده هزار نسخه در آن زمان، تیراژ پایین به حساب می‌آمد. این در حالی بود که جمعیت ایران در آن زمان، نصف جمعیت فعلی هم نبود. جالب‌تر اینکه کسانی که در این ده پانزده سال به دنیا آمده‌اند و جمعیت کشور را به بیش از دو برابر آن زمان رسانده‌اند، همگی کودک و نوجوان هستند؛ زیر پانزده سال. در آن زمان که تیراژ، بیست هزار نسخه بود، همه ما نگران این قضیه بودیم که کتاب به دست همهٔ بچه‌های ایرانی نمی‌رسد؛ به خصوص به دست بچه‌های شهرستان‌های دور و روستاهای دور افتاده. حالا با این ازدیاد جمعیت و تیراژ سه هزار نسخه و اگر خیلی لطف کنند، پنج هزار نسخه، واقعاً نمی‌دانم چه بگویم. البته، تنوع موضوع و زیاد شدن تعداد کتاب‌های چاپ اول، شاید تا حد کمی این قضیه را جبران کند، اما ادبیات کودک و نوجوان، بی‌شک، بسیاری از مخاطبان خود را از دست می‌دهد.

۴. اصولاً تجربه نشان داده است که دخالت

دولت‌ها در نشر کتاب و ادبیات، در موارد بسیاری،

ناشر ده تا کتاب چاپ کند، می‌داند که این ده کتاب، سرمایه‌ای است برای آیندهٔ او. این قاعده ولی در مورد شاعر و نویسنده مصداق ندارد. ناشران کودک و نوجوان، در دههٔ دوم نسبت به دههٔ اول، رشد خوبی از نظر اقتصادی داشته‌اند و این البته مایه خوشحالی است. شاعران و نویسندگان اما (از نظر مالی) رشدی نداشته‌اند. من شاعر و نویسنده همچنان، محتاج سفارش و محتاج فروش امتیاز کتاب‌هایم. هنوز نتوانسته‌ام به جایی برسم که بنشینم و در کمال آرامش، برای اعتلای ادبیات کودک و نوجوان بنویسم. هر چه نوشته‌ام و می‌نویسم، برای نان است و گذران زندگی؛ آن هم یک زندگی متوسط و حتی کمی پایین‌تر از متوسط. در چنین دورانی، بیشترین آثار نویسندگان و شاعران، آثار متوسطی خواهد بود. خلق آثار خوب، نیاز به آن «آنی» دارد که ما نداریم. بدترین بحران و مشکل، چیزی است که در ذهنیت مخاطبان آثار ادبیات کودک و نوجوان، به وجود آمده است. هر کودک و نوجوانی، با دیدن وضعیت زندگی یک شاعر و نویسندهٔ بنام، از فرهنگ و ادبیات دور می‌شود. او اگر استعداد حافظ شیرازی را هم داشته باشد، شغلی را که من شاعر و نویسنده، انتخاب کرده‌ام، انتخاب نخواهد کرد. این برمی‌گردد به وضعیت نابسامان اقتصادی در کشور که یک نفر بیسواد و ... روزی فلان مبلغ دلار درآمد دارد و یک آدم سالم و تحصیل کرده و هنرمند فلان مبلغ ریال، اینها تأثیرات بد و مخربی در آینده خواهد داشت.

۳. متأسفانه در دههٔ دوم، گویا اصلاً

سیاست‌گذاری چاپ و نشر کتاب، بر این اساس

◇ شعر در رشد و تکامل تصویرگری در این دو دهه، بسیار مؤثر بوده است.

◇ اگر یک ناشر ده تا کتاب چاپ کند، می‌داند که این ده کتاب، سرمایه‌ای است برای آینده‌ او. این قاعده ولی در مورد شاعر و نویسنده مصداق ندارد.

برنده‌ای از میان آنها برگزینم!»

به عقیده من هم آثار هر نویسنده و شاعر بنامی، ویژگی‌هایی دارد و زیبایی‌هایی که باعث محبوبیت او شده است و البته، کاستی‌هایی هم نمی‌شود ارزش همه را در یک ترازو سنجید. همه نویسندگان و شاعرانی که نامی در بین نام‌ها دارند، لابد چیزهایی داشته‌اند که مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته‌اند. با وجود این، اگر مجبور باشم که بیشتر در این زمینه حرف بزنم، می‌گویم که نویسندگان و شاعرانی بر جریان کلی ادبیات کودک و نوجوان این بیست سال تأثیر گذار بوده‌اند که به عنوان شاعر و نویسنده، کمال بیشتری داشته‌اند. البته، تأثیر هر کدام متفاوت است و رابطه مستقیم با کیفیت آثارش دارد. حالا می‌گویم «کامل» یعنی چه؟ در لغت‌نامه ذهنی من، نویسنده و شاعر کامل کسی است که هم نویسنده و شاعر کودک باشد و هم نوجوان؛ یعنی برای هر دو گروه سنی، آثار قابل قبولی داشته باشد و نیز این آثار از سوی مخاطبان، مورد استقبال قرار گرفته باشند. این گونه نویسندگان و شاعران، مخاطبان بیشتری دارند. بنده معتقدم که بسیاری از نویسندگان و شاعران بزرگسال می‌توانند آثاری برای خوانندگان جوان (از ۱۵ سال به بالا) بنویسند و بسرایند. کما اینکه آل‌احمد هم این کار را در قصه کوتاه «گلدسته‌ها و فلک» کرده است. اما کار برای کودکان (یعنی برای بچه‌های ۷ تا ۱۰ ساله و ۱۰ تا ۱۵ ساله) کار مشکلی است و از عهده هر کسی ساخته نیست.

کارساز که نبوده هیچ، نقش مخرب هم داشته است. البته ایجاد مؤسساتی مثل کانون از سوی دولت و نیز تغذیه این مؤسسات، می‌تواند کمک‌های بزرگی به روند رشد ادبیات کودک و نوجوان بکند، به شرطی که این رابطه فقط در حد رابطه مالی و اقتصادی و کمک رسانی باشد و نه نظارت و رهنمود. این مؤسسات باید در کارشان استقلال داشته باشند تا بتوانند مفید واقع شوند. البته، تجربه نشان داده که گاه امکاناتی که وزارت ارشاد در اختیار ناشران قرار می‌دهد، نتیجه مثبتی در پی داشته است. ضمن آنکه می‌دانیم اغلب مطبوعات کودک و نوجوان در ایران، دولتی است. در بخش خصوصی، فعالیت در این زمینه‌ها تقریباً غیر ممکن است. البته، خوب است که نشریات خصوصی هم ایجاد شود و نوعی رقابت در بین آنها به وجود آید. همان طور که در بین ناشران خصوصی، چنین رقابتی به وجود آمده است. ادبیات کودک و نوجوان در ایران، ارتباط تنگاتنگی با مطبوعات کودک و نوجوان دارد و بیشترین تجربه‌های ادبیات کودک و نوجوان، در مطبوعات صورت گرفته است. بنابراین، سهم و نقش دولت را در روند رشد ادبیات کودک و نوجوان نباید نادیده گرفت. به نظر می‌رسد که در مورد کتاب، حمایت دولت بیش از نظارتش، بر ناشران دولتی و غیر دولتی کارساز خواهد بود.

۵ از حضرت علی(ع) پرسیدند که شعرهای کدام یک از شاعران را بیشتر می‌پسندید؟ و بهترین شاعران در بین شاعران کیست؟ آن حضرت فرمود: «این شاعران در یک میدان نتاخته‌اند که بخواهم